

پربیننده ترین برنامه افطاری سیما امسال نیز میدان نقد و نظر اندیشمندان علوم انسانی شد

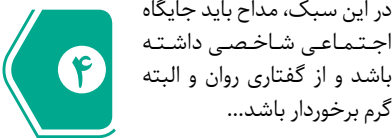
افطاری با طعم «مرگ آگاهی»

۲

از آیین «چهارپایه خوانی» چه می‌دانید؟

فراتر از هنر

اهل فن می‌گویند «چهارپایه خوانی» از سنت‌ها و آداب تهران قدیم در محرم است که هنوز هم پای ثابت مراسم عزاداری بازار تهران به شمار می‌آید. برخی هم البته قدمت آن را مربوط به زمان آل‌بویه می‌دانند. نوعی از عزاداری و مداحی که در آن مداح اهل بیت(ع) روی چهارپایه‌ای می‌ایستد و عزاداران گرد او جمع شده، شعری را همخوانی می‌کنند. چه قدیمی‌ها و چه مداحان امروزی معتقدند چهارپایه‌خوانی علاوه بر اینکه سبک متفاوت روضه‌خوانی و مداحی است حتی مقوله‌ای فراتر از هنر هم به حساب می‌آید چون ریشه در اشک و سوز دل مخاطب و چهارپایه‌خوان دارد. مداحان امروزی می‌گویند در این سبک، مداح باید جایگاه اجتماعی شاخصی داشته باشد و از گفتاری روان و البته گرم برخوردار باشد...



عزاداران در محرم در تهران

روایت دفاع جانانه مردم روزه‌دار مشهد از حریم حرم رضوی

رمضانِ سخت سال ۹۴۴ خورشیدی

دو، موضوع را با مردم در میان گذاشتند و از آن‌ها برای حضور در جمع مدافعان دعوت کردند. طولی نکشید که جمع زیادی از مردم روزه‌دار مشهد به جمع مدافعان پیوستند. سحرگاه روز ۲۴ رمضان پس از خوردن سحری مختصر و سپس اقامه نماز صبح، مدافعان حریم حرم از دروازه شهر خارج شده و به سوی محل استقرار ازبکان در نزدیکی طرق حرکت کردند. هنگام طلوع آفتاب، مدافعان با دشمنان غارتگر روبه‌رو شدند. جنگ بدون مقدمه آغاز و به سرعت مغلوبه شد. در آن غوغای عجیب و غریب، غریو تکبیر و فریاد «یا ثامن‌الحجج» لحظه‌ای قطع نمی‌شد. ازبکان پس از غافل‌گیری اولیه، خودشان را جمع و جور کردند و به نیروهای مدافع مشهد تاختند. مشه‌دی‌ها تا نزدیک اذان ظهر و با دهان روزه ایستادگی کردند و در آن گیر و دار، تعداد زیادی از آن‌ها به شهادت رسیدند؛ اما

حرکت ازبکان به سمت مشهد، دوباره در شهر پیچید. مدافعان باز هم آماده دفاع شدند؛ اما این بار قضیه فرق می‌کرد. تعداد نیروهای ازبک چند برابر هجوم قبلی بود و در این شرایط نمی‌شد به راحتی قلعه‌بانی کرد. ابراهیم میرزا صفوی، حاکم وقت مشهد جلسه‌ای با حضور فرماندهان نظامی، علما و معتمدان شهر مشهد در حرم مطهر برگزار کرد. طولی نکشید که خبر رسید ازبک‌ها خودشان را به طرق رسانده و روستاهای اطراف را به باد غارت و چپاول داده‌اند. گزارش‌ها حاکی از آن بود که تعداد نیروهای مهاجم بالاست و احتمال دارد دیوار و دروازه‌های شهر تاب مقاومت نداشته باشند. در آن جلسه سرنوشت‌ساز، باید تصمیمی قاطع برای نبرد و دفاع گرفته می‌شد؛ آن هم در شرایطی که مردم از نظر آذوقه در مضیقه بودند و باید با دهان روزه به دفاع از شهر می‌پرداختند.



طولی نکشید که جمع زیادی از مردم روزه‌دار مشهد به جمع مدافعان پیوستند. سحرگاه روز ۲۴ رمضان پس از خوردن سحری مختصر و سپس اقامه نماز صبح، مدافعان حریم حرم از دروازه شهر خارج شده و به سوی محل استقرار ازبکان در نزدیکی طرق حرکت کردند.

■ **رودرو با دشمن**
ایام شهادت امیرالمؤمنین(ع) و شب‌های قدر بود؛ ابراهیم‌میرزا پس از مدتی مشاوره و بحث تصمیم گرفت بیرون از دیوارهای شهر با ازبکان روبه‌رو شود. او می‌دانست که دست‌کم تا یک ماه آینده، امیدی به رسیدن نیروهای کمکی نیست. والی مشهد قنبرعلی‌خان استاجلو و صافی‌ولی‌خان را برای صحبت با مردم به حرم رضوی فرستاد و آن

محمدحسین نیکبخت | در دهه پایانی عمر حکومت شاه تهماسب یکم صفوی، اوضاع در شمال شرقی ایران، کمی به هم ریخت و امنیت دچار نقصان شد. این وضعیت موجب شد دیگِ طمع ازبک‌ها دوباره به جوش بیاید و تصمیم به غارت و تاخت و تاز در خراسان و به ویژه اطراف مشهد بگیرند. هدف اصلی مهاجمان، ورود به شهر مشهد و از دم تیغ گذراندن زائران و مجاوران و به یغما بردن ثنورات و هدایایی بود که در خزانه آستان قدس نگهداری می‌شد.

■ **پایداری مدافعان در حمله نخست**
نقشه ازبکان این بود که به صورت امواج پیاپی، خراسان و به ویژه شهر مشهد را آماج حملات خود قرار دهند و به این ترتیب موجب تحلیل رفتن ساختار دفاعی شهر شوند. اوایل ماه مبارک رمضان بود که پیرمحمدخان ازبک، یکی از سرداران این طایفه که بلخ را در تصرف خود داشت با ۸هزار سوار، خودش را به مشهد رساند و شهر را محاصره کرد. نیروهای حکومتی کوشیدند از سقوط شهر جلوگیری کنند، اما این کار به سادگی امکان نداشت. امرای نظامی مشهد مانند صافی ولی خلیفه روملو و قنبرعلی‌خان استاجلو چاره را در بسیج نیروهای مردمی دیدند. به این ترتیب انتظامات داخل شهر تماماً در اختیار مردم قرار گرفت و نظامیان روی دفاع از باروهای مشهد متمرکز شدند. پیرمحمدخان ازبک با وجود داشتن ابزارهای قلعه‌گویی نتوانست مدافعان شهر را که با دهان روزه به دفاع از حریم حرم مشغول بودند، به زانو درآورد. به همین دلیل پس از چند روز دست از محاصره کشید و با نیروهایش از اطراف مشهد دور شد. اما او دریافته بود که مشهد از نظر نیروهای مدافع، دچار مضیقه و تنگناست و اگر با سپاه بزرگ‌تر و ادوات نظامی بهتری به شهر هجوم بیاورند، کار یکسره خواهد شد. پیرمحمدخان این دیدگاه را با علی‌سلطان ازبک و برادرانش که به تازگی بر نساء، ابیورد و مرو تسلط پیدا کرده بودند، در میان گذاشت. به این ترتیب علی‌سلطان تصمیم به یک حمله قاطع برای غارت مشهد گرفت.

■ **جلسه‌ای مهم در حرم مطهر**
نیمه ماه مبارک رمضان فرا رسیده بود که خبر



ویژه فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۳۲۱ |



حجت الاسلام محمد جواد نظافت:
راه پیشگیری از نفاق
انتقاد است

۳
سفره افطار متبرک رضوی
در زندان مرکزی مشهد پهن شد

در نشست نقد و بررسی کتاب «کهکشان نیستی» مطرح شد
طرحی جدید از تذکره نویسی
به همت شرکت نخریسی و نساجی خسروی خراسان محقق شد

بومی‌سازی در صنعت نساجی
با حمایت از دانش‌بنیان‌ها

شلیک توپ ماه رمضان به روایت
اسناد آرشیو ملی ایران

دعا

راضی به رضایش باشیم
حجت‌الاسلام دکتر خیاط | اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِيهِ مَا پُرْضِيكَ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِمَّا يُوْذِيكَ، وَ أَسْأَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِأَنَّ أَطِيعَكَ وَ لَا أَطِيعِيكَ، يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ.

در دعای روز بیست و چهارم هم روزه‌دار از خدای سبحان درخواست می‌کند که خدایا در این روز به من توفیق بده آنچه رضایت توست انجام بدهم و آنچه موجب ناراحتی تو می‌شود را ترک کنم و توفیق ترک گناه و انجام طاعت خود را به من بده. چه وقت انسان می‌تواند کاری کند خدا از او راضی باشد؟ امام صادق(ع) فرمودند وقتی بنده از خدا راضی باشد، خدا هم از او راضی می‌شود! در قرآن هم به این مورد تأکید شده که «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» ... این لذت فراوانی دارد که انسان حس کند خدا از او راضی است... این حس و رضایت دوطرفه، ارزش بهتر از بهشت دارد. البته راضی بودن از کار خدا چندان کار آسانی نیست؛ چرا که کارهای خدا به تعبیر عوامانه کار بشر نیست ما هم که عقل و درک محدود داریم و فلسفه کارهای خدا را درک نمی‌کنیم یعنی رشد روحی بسیار می‌خواهد. در دومین فراز پناه می‌بریم به خدا از آنچه او را اذیت می‌کند. قطعاً در اینجا از واژه اذیت معنای خاصی مراد است. واقعیت این است که ما وقتی خدای ناکرده معصیت و گناه می‌کنیم با این کار خودمان را جهنمی می‌کنیم این چیزی است که خدا را ناراحت و اذیت می‌کند. گاه فرزندی که خطا می‌کند برای تربیتش تنبیه می‌شود... این کتک و تنبیه پیش از آنکه بچه را بیازارد پدر و مادر را اذیت می‌کند. اگر می‌خواهیم کاری کنیم که خدا راضی باشد نباید کاری کنیم که موجب خشم و ناراحتی او شود. در فراز سوم توفیق طاعت و ترک معصیت را از خدا می‌خواهیم که بسیار ارزشمند است. روزی را به پایان ببریم در حالی که در آن روز معصیت نکردیم بسیار باارزش است این هم به دو فراز قبل مربوط است اگر می‌خواهیم خدا راضی باشد و ناراحت و آزرده نباشد ترک معصیت کنیم و انجام طاعت را در پیش بگیریم.

منبر مجازی
فرشته شویم



آیت‌الله جوادی آملی | در شب‌های ماه مبارک رمضان؛ آدم وقتی میهمان صاحبخانه شد، صاحبخانه می‌گوید چه میل دارید؟ این ماه مبارک رمضان، ماه ضیافت است؛ این‌ها که در سرزمین مکه به حج و عمره موفق می‌شوند، جزو ضیوف الرحمن‌اند؛ این‌ها که در ماه مبارک رمضان به فیض روزه گرفتن موفق هستند هم جزو ضیوف الرحمان هستند.

در شب‌های ماه مبارک رمضان، داعیای که به ما گفتند بخوانید این است که... شما میهمان هستید، از صاحبخانه هر چه بخواهید به شما می‌دهد. بگویید: خدایا! تو که دست از خبر بر نمی‌داری، تو که دینت را حفظ می‌کنی، قرآنت را حفظ می‌کنی، بیان عترتت را حفظ می‌کنی، آن توفیق را بده که دین تو به دست من حفظ بشود، نه اینکه من در کنار سفره دیگری بنشینم... (اللهم اجعلني ممن تتنصر به لدینک و لا تستبدل بی غیري) خدایا! یقیناً تو دینت را حفظ می‌کنی، آن توفیق را بده که دینت به وسیله من و به دست من زنده بشود، دیگران در کنار سفره من باشند؛ اینکه چیز بدی نیست. اینکه مال نیست که انسان بگوید به من ثروت بده، دیگران کنار سفره من بیایند. این علم است؛ شما از خدا بخواهید عالم بشوید، دیگران از کتاب شما استفاده کنند؛ این چیز بدی نیست.

این جزو دعاهای نورانی شب‌های ماه مبارک رمضان است. خدایا! آن توفیق را بده من کلمات علی بن ابیطالب(ع) را بفهمم، کلمات ائمه(ع) را بفهمم، معنا کنم، ترجمه کنم، بنویسم که دیگران استفاده کنند؛ اینکه چیز خوبی است.

این بیان نورانی پیغمبر(ص) که فرمود ماه رمضان را دریابید. آدم اگر گناهی کرد بدهکار است. باید گرو بدهد. در محاکم دنیایی، خانه و ملک وثیقه قرار می‌دهد. اما خدا هیچ وثیقه‌ای قبول نمی‌کند مگر خود انسان را گرو می‌گیرد. «ان انفسکم مرهونه» ... شما بدهکار بودید شما را خدا رهن و گرو گرفته است. بپایید در ماه رمضان با استغفار فک رهن کنید. ماه رمضان ماه دعاست. در دعا اگر ما انسی داشته باشیم بدانیم خودمان دخیل در کاری نیستیم. در این ماه مثل زکریا تربیت شویم. ببینید این زکریای پیر چطور با خدا صحبت می‌کند؟ عرض کرد: خدایا می‌دانی من کی هستم هر وقت خواستم دادی و نقتی کی هستی... از من سؤال نکردی زنی، مردی، مسلمانی، کافری... و لم اکن بدعائک ربّ شقیّتاً... ماه رمضان برای این است که ما فرشته شویم.

مزایای گوشی تازه خریدده معرکه گرفته بود، بزرگوار دیگری هم پیگیر جابه‌جایی بچه‌هایش از مدرسه بود به خانه و... یک آقای به اصطلاح مسئول دیگر هم داشت سختکوشانه جمعی را درباره نحوه کاشت مویش اداره می‌کرد و پیش می‌برد! توی همه اتاق‌ها به همین منوال. تا چشم می‌دید و عقل کار می‌کرد موبایل بازی بود.

همکار شاکی‌ام یکهو می‌زند روی ترمز و حرفش را قطع می‌کند. با عذرخواهی زیاد

سروکارش افتاده به سه طبقه و چهار پنج اتاق و هفت هشت کارمند. می‌گوید واقعاً فکرش را نمی‌کرده قرار است این حجم حرص را یک جا ببلعد امروز و این تعداد آدم زیر کار دررو را یک جا ببیند و نتواند کاری بکند. می‌گوید حالش بد است و سؤال‌های بی‌جواب ولش نمی‌کند.

می‌گوید یکی داشت با تلفن اداره به امورات ساخت و سازش می‌پرداخت و اصلاً گرفتاری ارباب رجوع برایش موضوع مهمی نبود! آن یکی در مورد

رقیه توسلی | حرص می‌خورد و حرف می‌زند! و این از آدم کم حرف و حدیثی چون او به دور است. دوازده سالی می‌شود در عالم همکاری فقط صبور و ساعی دیدمش. ندیدم موضوعی این قدر بتایاندش که بشود اسپند روی آتش. همیشه صدایش را در قلمش شنیدم. در گزارش‌ها، یادداشت‌ها و سرمقاله‌های جاندار خواندنی که ارائه می‌کند. کنج‌کاو

بفهمم چه قصه‌ای کاسه صبرش را لبریز کرده است؟ می‌گوید رفته اداره‌ای بابت پرونده‌اش و

نیمه ماه مبارک رمضان فرا رسیده بود که خبر

نیمه ماه مبارک رمضان فرا رسیده بود که خبر

نیمه ماه مبارک رمضان فرا رسیده بود که خبر

در دسترس نیست!